



شماره ثبت: ۳۱۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مستثنیات.....
۲	تقسیم بندی روایات.....
۳	تعارض بین گروه دوم و سوم.....
۳	نظر مرحوم آیت الله تبریزی (ره).....
۳	تفاوت نظر آیت الله تبریزی و امام (ره).....
۳	اشکال به نظریه آیت الله تبریزی (ره).....
۴	جمع بندی.....
۵	نظریه مورد نظر.....



تولی من قبل الجائر

مستثنیات

تقسیم‌بندی روایات

در جلسات قبل روایاتی که در مورد مستثنای تولی من قبل جائر آمده بود را بررسی کردیم. این روایات را به پنج گروه تقسیم می‌کنیم:

۱. گروهی که دال بر اباحه است.

۲. دال بر استحباب است.

۳. دال بر کراهت است.

۴. دال بر وجوب است.

۵. دال بر حرمت است.

روایت طایفه چهارم که دال وجوب می‌کند، بیشتر از چند روایت نیست. این روایات نقل شده از علی بن یقطين است. ظهور آن روایات در حکم الهی بود.

روایات حرمت، سنداً ضعیف بود، از سویی در دلالت محل اختلاف است.

سه گروه اول باقی می‌ماند.

در این مقایسه، گروه اول را نباید نادیده بگیریم. زمانی که «لابعث» بیاید و از طرفی اکراه یا استحباب بیان شود، تعارضی وجود ندارد. اما اگر در طرف مقابل وجوب و حرمت باشد، اباحه به معنای عام ظهور می‌کند.

هرگاه در موضوعی روایتی بفرماید «لابعث» و دلیل دیگر همان موضوع را به کراهت و استحباب منتفی کند. این گروه دوم قرینه مفهوم عام لا بعث می‌شود. پس در موضوع واحد، لا بعث و استحباب و اکراه تعارضی ندارند. اما اگر قرینه‌ای داشته باشیم، و با موضوع متفاوت است، «لابعث» با مفهوم خاص است.



تعارض بین گروه دوم و سوم

روایات طایفه اول، چهارم و پنجم، محل بحث ما نیست. روایات دوم و سوم باهم تعارض می‌کنند.

نظر مرحوم آیت‌الله تبریزی (ره)

مرحوم آیت‌الله تبریزی (ره) این دو روایت را جمع کردند. ایشان می‌فرمایند روایت مهران بن محمد بن نصر (روایت چهارم باب ۴۴) با روایاتی که دلالت بر استحباب می‌کند تعارضی ندارند.

روایت مهران مطلق است. کسی که در دستگاه بشود و کمک به مردم می‌کند، مطلق است. یعنی چه قصد خیر داشته و نداشته باشد. روایت نجاشی و سایر روایات باب ۴۶ که استحباب را بیان کرده است، ظهور در جایی دارد که قصد خیر وجود داشته باشد. لذا روایت مهران، مطلق است و این روایات باب ۴۶ مقید است. مطلق و مقید احکام متفاوتی دارند.

مطلق و مقید و یا عام و خاص وقتی به حمل مطلق بر مقید حمل می‌شود که مثبتین و نافیین نباشند. بلکه مثبت و نافی باشند. زمانی که حکم مثبت و نافی داشته باشند نیز حمل مطلق بر مقید می‌شود. در جایی که روایت مهران می‌گوید مکروه است (ورود به دستگاه)، روایات باب ۴۶ می‌گوید مستحب است (اگر قصد داشته باشد). این حکم‌ها متفاوت است. این‌ها حکم مثبت و منفی هستند و حمل مطلق بر مقید می‌شود.

تفاوت نظر آیت‌الله تبریزی و امام (ره)

تفاوت نظر ایشان باهم این است که تقسیم‌بندی نمی‌کند. می‌فرمایند یک دسته روایات می‌گوید که ورود به دستگاه کراهت دارد. دسته دیگر می‌گویند که اگر قصد خیر و کمک باشد مانعی ندارد. پس تمام صور کراهت دارد جز کسی که قصد کمک داشته باشد. امام (ره) فرمودند: ورود به دستگاه زمانی که هدف معیشت باشد، کراهت دارد، اگر هدف کمک کردن داشته باشد، مستحب است. و اگر هر دو قصد وجود داشته باشد، مباح است.

شیخ (ره) و امام (ره) برای هر سه قسمت و صور، قرینه‌ای فرض کرده‌اند.

نظر آیت‌الله تبریزی (ره) فنی‌تر است. اما درعین حال دو اشکال به آن وارد می‌شود:

اشکال به نظریه آیت‌الله تبریزی (ره)



شماره ثبت: ۳۱۹۴

۱. روایاتی که به عنوان مطلق و مکروه فرض کرده شده است، از لحاظ سندی جای تأمل بیشتری دارد. روایت ۴ باب ۴۴ است. احمد بن حسان عن ابی در نسخه های کافی احمد بن حسین است. اگر احمد بن حسین باشد مجهول است. اگر احمد بن حسان در جایی آمده باشد و اگر راوی آن محمد بن احمد باشد، دیگر ایشان نیست. مهران بن محمد بن ابی نصر نیز جای اشکال دارد. احتمال دارد که مهران بن محمد بن ابی بصیر باشد و ایشان مجهول است. این دو سؤال و احتمال در روایت وجود دارد. البته این سند با تمام این تفصیل قابل دفاع است.

۲. از لحاظ دلالت سؤالی در اینجا وجود دارد این است که در روایت می گوید:

«وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا مِنْ جَبَّارٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مُؤْمِنٌ يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ أَقَلُّهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ يَعْْنِي أَقَلَّ الْمُؤْمِنِينَ حَظًّا بِصُحْبَةِ الْجَبَّارِ.»^۱

اول روایت می فرماید: در هر دستگاه جائری، اولیائی هستند که از مظلومین دفاع می کنند. این مضمون در ده روایت آمده است. در تمام این روایات اسم اولیاء الهی آمده است. اولیاء نیز کسانی هستند که ممتازند و قاعدتاً انسان های نیکوکاری هستند و دارای مراتب و درجات معنوی هستند. این سخن با کراهت میانه ای ندارند.

با توجه به این نظر مذکور باید بگوییم که صدر و ذیل این روایت با هم سازگار نیست. با توجه به این مطالب نظر آیت الله تبریزی (ره) کمی مشکل پیدا می کند. جمله «هُوَ أَقَلُّهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ» دلالت بر کراهت نیز نمی کند. در این جمله می گوید که مؤمنین درجاتی دارند و این شخص، در درجه ی بالایی نخواهد رفت.

جمع بندی

اشکالاتی را می توان به فرمایش آیت الله تبریزی (ره) وارد آورد. اما باز باید توجه کرد که مهم ترین نظری که در این قسمت داده شده است، همین نظریه ایشان است.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۶



شماره ثبت: ۳۱۹۴

نظریه مورد نظر

روایاتی که استحباب و جواز را بیان می‌کنند منصرف به شخصی هستند که برای خدمت می‌روند. در اینجا یک نوع انصراف را بیان می‌کنیم. روایاتی که ظهور در منقصت و لا بعث است، برای جایی است که برای معیشت رفته و خدمتی می‌کند.

گروهی که انصراف به خدمت می‌کند، برای انسان‌های بزرگ است، و برای اهداف بزرگی وارد دستگاه شده‌اند. با انصراف، می‌توانیم جمع فقها را بپذیریم.

بین گروه دوم و سوم تعارضی وجود ندارد.

روایاتی مکروه و مستحب تعارض بدوی دارند. به چند بیان جمع دارند:

۱. بیان ظاهر فقها مثل امام (ره)

۲. بیان فنی‌تر آیت‌الله تبریزی که حمل مطلق بر مقید می‌کنند.

۳. بیان مشهور و نظر ما، با انصراف جمع‌بندی می‌کنیم. روایتی که بر استحباب دلالت می‌کنند منصرف است. این مطلب قراین لفظی نیز دارند. روایاتی که در کراهت دلالت می‌کند انصراف دارد به جایی که برای معیشت می‌روند ولی کمکی نیز می‌کنند.